نزد خدای اقدر پشه وزن بودی هیچ کافر از آن شربت آبی ننوشیدی پس آن نسبت با نعمت آخرت قدری محسوس نباشد در کشف
الاسرار فرموده که این بحث لفظیست و محتاج با نکه تقریر بحث نماید که این نعمت چه چیز است که خاص تواند بود و بعضی بر عموم همه را شامل
تواند شد و حقیقت آنست که مراد از نعمت درین آیه نعمتی خاص است که خواص حضرت احدیت بدان اختصاص یافته اند و عنان همت بسیار [illegible]
نیز معطوف ساخته اند [illegible] آن بر یافته و اهل صورت در میدان بیان آن جولانها نموده اند و ارباب معنی را ظهار اسرارش نکتها فرموده اند
و در وصل لاحق بعضی از درر غرر عبارات مدققان یا برخی از جواهر زواهر اشارات محققان در یک سلک انتظام خواهد پذیرفت
والعون من الله و لی التوفیق **وصل** اگرچه مفهوم آیه عامست و شامل هر کرا خدای نعمتی داده بوجهی از وجوه منعم گردانیده و جمعی که الذین
عموم مقتضی است و نعمت مشتمل بر نعمت مطلق و هیچکس نیست که او را از خوان نعمت وی گران نبواله بهره مند نگردانیده و قسمی از
فواید موائد صوری و معنوی بدو نرسانیده والا آنست که این نعمت مقید بهدایت است اند و وجه یکی سوال هدایت در مطلع دعا
استثنای مغضوب علیهم ولا الضالین در مقطع و محققان گفته اند بر تقدیری که نعمت را بر اطلاق بگذاریم چون مطلق منصرف بکاملست
پس مراد نعمت کامله باشد و کمال نعمت آنست که ختم کار بنده بر اسلام بود چه انبیا و اولیا اهتمام بحسن اختتام داشته اند توفنی
مسلما و توفنا مع الابرار باید دانست که نعمت الهی بسیار است و هر کس این آیه نعمت را بر چیزی دیگر حمل کرده اند مقصود نیز
این نعمت بچندین نوع در حیز بیان آورده است و غالب آنست که تفاوت این اقاویل بواسطه ملاحظه درجات متفاوته منعم علیهم
باشد پس تعیین آن جماعه انسب مینماید تا در ذیل هر یک سخنی که مناسب حال باشد گفته آید ضحاک رحمه الله بر آنست که مراد از طایفه منعم علیهم
مومنان اند که در قرآن ذکر نعمت ایشان برینوجه وارد شده یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمة الله علیکم و عکرمه رحمه الله نیز نعمت را به ثبات
بایمان و استقامت بران می آرد و نظر بر آنکه اهدنا را بمعنی ثبتنا داشته اند پس مضمون دعا این باشد که ثبات ده ما را بر راه کسانی که ایشان را
دولت ثبات و استقامت بران کرامت فرمودی در دنیا هیچ گوید راه آنها که منت نهادی بر ایشان بایمان و دلهای ایشان را
از زیغ و میل نگاه داشت تا از دنیا براه راست بیرون رفتند در تاویلات علم الهدی رحمه الله فرموده که چون صراط مستقیم دین است
هرآینه منعم علیه مومنان اند که حق تعالی بنعمت دین انعام کرده است بر همه ایشان علی العموم اگر حصول عمل کنند و وجه دیگر که انعام
کرد بر ایشان بمعرفت کتب و دلایل پس این نعمت قرآن باشد و ادله مستنبط از آن دوم آنکه منعم گردانید ایشان را بنعمت تقدیم
و تفضیل بر جمیع مومنان چنانچه داود و سلیمان علی نبینا و علیهما السلام گفتند وفضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین حکیم ترمذی رحمه الله
آورده که مراد ازین نعمت ادای شکر است در سرا و ضرا یعنی بهر حال لطایف بتقدیم رسانیده چنانچه در وقت ورود و فور نعمت الهی
پاس سپاس داری میداشتند در زمان هجوم جنود رنج و محنت نیز لوازم شکرگذاری فرو نمیگذاشتند زبان حال ایشان بذکر الحمد لله
علی کل حال ناطق بودند در جای بر کمال ایشان بر یافتن نعمت باقی بروابط حمد و ثنا از حضرت کبریا واثق یکی از بزرگان فرموده که
دیگران از خدای تعالی نعمت طلبند تو توفیق شکر طلب کن که شکر نعمتیست از همه نعمتها عظیم تر نزد محققان شکر نعمت مقدم است
بر نعمت **بیت** کرم نعمتی داد خواهی نخست ** بشکر خودم ده زبانی درست ** هم کلام خواجه حسن است علیه الرحمه **بیت** نعمتم آنگاه رسان

بعطای

پیش پاس ** کم دهی ول آنم شناس ** زین تن روزی خور عصیان نمایی ** دور کن اندیشه کفران نمایی ** این سبب رحمه الله
که منعم علیه آنها اند که حق تعالی نعمت طاعت و عبادت بدیشان ارزانی داشته و موید این سخن است که در تفسیر تبیان آورده که نعمت علیهم
بالتزام الفرایض والسنن صفت ایشان ملازمت فرض و سنت است و محمد فضل گفته که نعمت بر ایشان قبول فرض است از ایشان و قبول
طاعات جز اهل عبادات را نباشد گروهی برانند که این طایفه توفیق یافتند که هر کار نیکو کنند از خیر و از ینجاست که امام راغب آورده که این نعمت
تسهیل است که سلوک طریق فوز را بر سالک آسان گردانیده با آنکه عطا کرده با نچه ایشان را براه در آورده و منع ساخت از ایشان
آنچه از قبح باز دارد و مراد ازین توفیق است ای عزیز نعمت توفیق کاملترین نعمتهاست و هرچه خواهد از اوصاف حمیده و اخلاق
ستوده و اوصاف طاعات و انواع عبادات که لهم کیمیا است جز بمدد توفیق میسر نیست بزرگی را پرسیدند که آن چه چیز است
که هیچکس بحال هیچ مستغنی نباشد فرمود که آن توفیق زیرا که بمعاونت او هیچکار پیش نرود و بموافقت او هیچ راه بپایان نرسد و تواند
که در توفیق نگشاید راه تحقیق ننماید **بیت** ازین حضرت بجویم غیر توفیق ** که توفیقم نماید راه تحقیق ** اگر توفیقت از وی رهنماید
ز هر اندیشه باشد فراغم ** و بواسطه نیست که اکثر بر آن رفته اند که مراد ازین نعمت توفیق هدایت چنانکه در وصل سابق صورت
تقریر پذیرفت و مقتضای مقام نیز همین میتواند بود چه در وقت استدعا هدایت براه راست جز راه است روان طریق
تحقیق که همراهان رفیق توفیقند نتوان خواست در احقاق آورده که بنده بعد از آنکه درخواست هدایت راه سالکان صراط مستقیم نمود
ایشان را بنعمت توفیق هدایت و تحقیق عنایت می ستاید اشارتست بر آنکه گویا بزبان نیاز بضراعت بعرض حضرت عزت میرساند
که خدایا هدایت تو پیشینیان را با استحقاق ایشان بلکه محض تفضل و امتنان بوده و توان بخشید که جز این ترا از بخشش نقصانی نیست
و ترا از وفور کرم و کثرت بخشایش زیانی هم ذات قدیمست از عوارض تغیر مبراست هم شرب فضل عمیمست از شوایب بخل و تقصیر معرا
پس ای احسان علی الاطلاق که نه وابسته غرض است و نه موقوف بر استحقاق انعام کن بر ما چنانچه انعام کردی بر گذشتگان
تفضل بنمایی بر ما چنانچه تفضل نمودی بر ایشان که اگر غایب شدند و تو عنان عنایت از حاضران بر نتابد اگر پیشینیان مفقود شدند
زان فقدان باحسان بیکران تو راه نیابد **بیت** نه بخشش گسست و نه مخزن تهی ** بر آنکو تو نومید گردد رهی ** هر آن جود کز ابتدا تو
نمودی تا حشر خواهی نمود ** ز دریای احسان و فضل کبیر ** توان داشت یک قطره بس حقیر ** یکی قطره دریا گر کم شود ** بیک شیء گر
پر نم شود ** در بحر الحقایق از شهر بن حوشب رحمه الله نقل میکنند که این جماعت اهل بیت بزرگوار و صحاب نامدار حضرت سید مختار
که حق تعالی ایشان را به علم و فهم بیار است تا از معلم مکتب و ما ینطق عن الهوی چیزها آموختند و آموخته را فهم فرمودند و از نیست
که بعضی نعمت را بر علم و فهم حمل کرده اند یعنی علم شریعت و فهم حقیقت و این دو صفت جمع نشود مگر در زمان حضرت صلی الله علیه و آله
و بی تکلیف منعم علیه کامل آنحضرت بوده که خلعت و یتم نعمته علیک بر قامت استقامت او راست می آید و در زمان عتبه علیه
بنوعی که صورت و اتممت علیکم نعمتی از آینه حال بر کمال ایشان روی مینماید پس مومنان بدین دعا ثبات در رسوخ طلبیدند
بر طریق متابعت حضرت مصطفی ص و صحابه اخیار او که بحقیقت متابعان طریقت ایشان بودند و ازین واد بیت اگر در دنیا هیچ [illegible]

Copyright © King Saud University